

بررسی تاثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق

صالح صالحی ؛ دکتر مریم بختیاری^۲

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تاثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق می باشد. روش تحقیق به صورت کمی و از نوع نیمه آزمایشی (طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل) بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زوجین در آستانه طلاق استان تهران هستند. که بین ۲۵ تا ۳۵ سال باشند تعداد نمونه پژوهش ۲۰ نفر از زوجین در آستانه طلاق بودند، که به روش نمونه گیری غیر تصادفی از زوجین انتخاب شد. ابزار های گردآوری اطلاعات شامل: پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده (FAD-60) و خرده مقیاس های پرسشنامه عملکرد خانواده مک مستر بودند برای آزمون فرضیه های تحقیق از تحلیل کواریانس چند متغیری با رعایت مفروضه ها (همگنی ضرایب رگرسیون، خطی بودن رابطه بین متغیرها، توزیع نرمال و ویژگی مورد بررسی، همگنی واریانس ها) استفاده شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) در زوجین در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند بیشتر از زوجینی است که این آموزش را دریافت نکردند. در نتیجه قابل بیان است که برنامه آموزش رویکرد هیجان مدار تأثیر معناداری بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق داشته و می تواند به عنوان برنامه آموزشی موثر مورد توجه روانشناسان و مشاوران باشد.

کلمات کلیدی: رویکرد هیجان مدار، عملکرد خانواده، زوجین، طلاق

Investigating the effect of emotion-oriented approach training on improving family functioning in couples in the province of divorce

The purpose of this research is to investigate the effect of emotion-oriented approach training on the improvement of family functioning in couples undergoing divorce. The research method was quantitative and semi-experimental (pre-test-post-test design with control group). The statistical population of this research includes couples on the verge of divorce in Tehran province. who are between 25 and 35 years old. The number of the research sample was 20 couples on the verge of divorce, which were selected by non-random sampling. The data collection tools included:

^۱ کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی قم
^۲ دانشیار دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

Family Functioning Questionnaire (FAD-60) and subscales of the McMaster Family Functioning Questionnaire to test research hypotheses from multivariate covariance analysis in compliance with the assumptions (homogeneity of regression coefficients, linearity of the relationship between variables, normal distribution of the investigated feature, homogeneity of variances) were used. The results of the research indicate that the dimensions of family functioning (problem solving, communication or interaction, roles, emotional intercourse, emotional responsiveness, behavioral control and overall family functioning) have improved in couples on the verge of divorce after training in the emotion-oriented approach. Also, the dimensions of family functioning in couples on the verge of divorce who received emotion-oriented approach training are more than couples who did not receive this training. As a result, it can be said that the emotion-oriented approach training program has a significant effect on improving family functioning in couples on the verge of divorce and can be of interest to psychologists and counselors as an effective training program.

Key words: emotional approach, family function, couples, divorce

بیان مساله

خانواده یکی از مهم ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (برنسن، ۲۰۱۳). خانواده نظام عاطفی پیچیده ای است که چند نسل را در بر می گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی بودن عضویت در آن است (اسکندری و پرنسین، ۱۴۰۱). داشتن روابط اجتماعی نزدیک مانند ازدواج، هم با بهزیستی افراد و هم با پیامدهای سلامتی روانی و جسمانی در ارتباط است. در بین عوامل مؤثر بر زندگی زوجین نقش طلاق حائز اهمیت است (ریدنور^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). طلاق به معنی پایان شرعی و قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته از میان می رود. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می افتد که استحکام ازدواج از بین می رود و میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود دارد (چن^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). آمارهای ارائه شده نشان میدهد که ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷، حدود ۶/۳۷ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این در حالی است

^۲Bernstein

^۴Ridenour

^۵Chen

که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده است (کریمی ۱۳۹۴). از نگاه سارروخانی پدیده اجتماعی طلاق به عوامل متعددی وابسته است که این عوامل عینی، ملموس و کمی و قابل اندازه گیری هستند. حال باید دید چه عواملی تاثیر چشمگیری در ایجاد این تنش ها و ناسازگاری ها دارد.

پژوهش در زمینه حساسیت بین فردی هم در زمینه بالینی و هم در شرایط غیر بالینی انجام شده است. مطالعات در شرایط بالینی در سطوح بالای حساسیت بین فردی متمرکز شده است و بعضی از پژوهشگران این مفهوم را گسترش داده اند تا شامل حساسیت به طرد نیز باشد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از عوامل تاثیر گذار بر طلاق زوجین میتوان از عملکرد ازدواج نام برد که در حال حاضر پژوهشگران داخلی و خارجی عملکرد خانواده دو نظریه اصلی را تشکیل می دهند: اولی نتیجه گرا است که عملکرد خانواده را با ویژگی های خاص خانواده تعریف می کند. دومی فرآیند گرا است که عملکرد خانواده را از وظایفی که خانواده ها باید تکمیل کنند، توصیف می کند. نمایندگان نظریه عملکرد خانواده فرایند گرا عبارتند از نظریه حالت عملکرد خانواده مک مستر و تابع خانواده فرآیند گرا اسکینر. مک مستر فرآیند نظام خانواده را هسته می داند و کارکرد اساسی خانواده را فراهم کردن شرایط محیطی مناسب برای رشد اعضای خانواده از جنبه های جسمی، روانی، اجتماعی و غیره می داند. برای تحقق کارکرد اساسی، نظام خانواده باید یک سری وظایف شامل وظایف اساسی (مانند رفع نیازهای مادی فرد از نظر خط زندگی خوراک و پوشاک)، وظایف رشدی (مانند تطبیق و ارتقای رشد و نمو) را انجام دهد. توسعه اعضا و وظایف بحران (مانند رسیدگی به انواع شرایط اضطراری خانوادگی) را بر عهده بگیرند (میلر، ریان، ۲۰۰۰). نظریه مدل فرآیند خانواده توسط اسکینر در سال ۱۹۸۰ ارائه شد که بر رابطه متقابل بین فرد (خانواده) و کلیت (خانواده) تاکید می کند. این نظریه از مفاهیم تئوری حالت عملکرد خانواده مک مستر برای تشکیل ساختار عملکردی سیستماتیک تر و واضح تر خانواده استفاده می کند. در عین حال، اسکینر خانواده را به عنوان یک سیستم عملیاتی پویا در نظر می گیرد و عوامل پیشینه خانواده مانند ارزش ها و قوانین اعضای خانواده را در نظر می گیرد. (اسکینر، اسکینهور، ۲۰۰۰). تئوری مدل فرآیند خانواده معتقد است که کارکرد خانواده توسط اعضای خانواده تجسم می یابد که همه انواع وظایف روزمره را انجام می دهند و با انواع مشکلات خانواده به طور منظم و منعطف برخورد می کنند. در فرآیند هر کارکردی که انجام می شود، خانواده و اعضای آن نیز رشد می کنند. آنها فکر می کنند که نظام خانواده

^۱Miller, IW, Ryan, CE, et al.

^۲Skinner, H. & Steinhauer, P.

بر سلامت جسمی و روانی فرد نه با ویژگی های ساختار خانواده، بلکه با فرآیند تحقق کارکردهای مختلف در خانواده تأثیر می گذارد. هر چه خانواده روند عملکرد خود را راحت تر درک کند، ذهنیت اعضای خانواده سالم تر است. اما نمایندگان نظریه عملکرد خانواده نتیجه گرا نظریه حالت حلقوی اولسون و نظریه سیستم بیورز هستند. نظریه کارکرد خانواده اولسون را می توان به سه بعد تقسیم کرد: صمیمیت خانوادگی، سازگاری خانواده و ارتباطات خانوادگی. درجه صمیمی خانواده به رابطه بین اعضای خانواده اشاره دارد. سازگاری خانواده به نیاز خانواده به تغییر ساختار قدرت، انتساب نقش یا توانایی قوانین خانواده برای مقابله با فشار محیطی خارجی یا توسعه ازدواج اشاره دارد. ارتباط خانوادگی به ارتباط بین اعضای خانواده اشاره دارد که برای ایجاد صمیمیت و سازگاری خانواده مهم است. نظریه مدل سیستم بیورز عملکرد خانواده را از دو بعد بررسی می کند: یکی شاخص سفت و سخت شامل ساختار خانواده، روابط خانوادگی و نیروی واکنش خانواده است. بین این ویژگی ها و تأثیر عملکرد خانواده رابطه خطی وجود دارد. به این معنا که هر چه شاخص صلب انعطاف پذیرتر باشد، بهتر است. خانواده عمدتاً با توجه به نتایج عملکرد خانواده به انواع مختلفی تقسیم شد تا تشخیص داده شود که کدام یک به رشد سالم تعلق دارد و کدام نیاز به خانواده درمانی و مداخله دارد (دای، وانگ^۱: ۲۰۱۵). در پژوهشی که توسط اسکندری نژاد و فتحی آشتیانی (۱۴۰۰) انجام شده در بررسی مقالات ده سال اخیر که در ایران انجام شده تمام عوامل عنوان شده عملکرد خانواده جزو دلایل اصلی طلاق در پژوهش های مختلف یاد شده در این پژوهش میباشد. با توجه به پیامدهای نامطلوب طلاق، آموزش رویکرد هیجان مدار و تأثیر آن بر عملکرد خانواده در میان زوجین در آستانه طلاق مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت هیجانان نقش تنظیم هیجانی در تغییرات روان درمانی بسیار مهم و پیچیده است. درمانهایی که بر حذف مشکلات روانی از طریق نادیده گرفتن هیجانان متمرکز هستند، می توانند منجر به تداوم هیجانان ناکارآمد شده و در نتیجه مشکلات روانی ممکن است به طور مؤثر حل نشوند. (پوس و گرینبرگ، ۲۰۰۷) در درمان هیجان مدار (EFT) هیجانان در رأس درمان قرار داشته و به عنوان نیروی محرکه درمان محسوب می شوند. این رویکرد درمانی که توسط گرینبرگ در دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت یک چارچوب منحصر به فرد برای کار با فرایندهای هیجانی ارائه داده و از تکنیک های هدفمند برای تحریک و تغییر تجربیات هیجانی مراجعان استفاده می کند (پوس و گرینبرگ، ۲۰۱۶) طی درمان مراجع از طریق یادگیری روشهای درست برجسب زدن به هیجانان، یادگیری تنظیم

و تعدیل هیجانات شدید و دگرگون کردن هیجانات ناسازگارانه و دردناک، اصلی می تواند تنظیم و ابراز تجربیات هیجانی خود را به شکل بهینه تر بدست آورد. (گرینبرگ . ۲۰۰۸)

با توجه به اهمیت خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نیز افزایش آمار طلاق‌های عاطفی و رسمی در کشور و تبعات ناشی از آن در آرامش فردی، فرهنگ اجتماعی، اقتصاد و ...، پیش‌گیری از طلاق زوجین حیاتی به نظر می‌رسد. با توجه به نقش عملکرد خانواده که در مورد آن صحبت شد، ادبیات در دسترس نشان می‌دهد مطالعه ای که به بررسی تاثیر آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر عملکرد خانواده به ویژه در خانواده در آستانه طلاق وجود ندارد. در اینجا با این سوال اساسی رو به رو هستیم که آیا آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق تاثیری دارد؟

روش پژوهش:

این مطالعه، پژوهشی کمی و از نوع نیمه آزمایشی (طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل زوجین در آستانه طلاق استان تهران هستند. که بین ۲۵ تا ۳۵ سال باشند که بصورت داوطلبانه و براساس ملاک‌های ورود به پژوهش انتخاب شده‌اند. تعداد نمونه پژوهش ۲۰ نفر از زوجین در آستانه طلاق خواهند بود، که به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از زوجین در آستانه طلاق که برای انجام امور حقوقی به مراکز حقوقی شهر تهران مراجعه مینمایند انتخاب شد. در پژوهش حاضر علاوه بر روش کتابخانه‌ای که برای جمع‌آوری مطالب و مبانی نظری استفاده میگردد، همچنین گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه صورت می‌گیرد، پرسشنامه مورد استفاده پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده (FAD-60) می‌باشد که در ادامه معرفی شده است.

ابزار سنجش خانواده، یک ابزار ۶۰ سوالی است که برای سنجش عملکرد خانواده بر اساس مدل عملکرد خانواده

مک‌مستر^۱ برای افراد ۱۲ سال به بالا، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۵۰ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاب^{۱۱}

^۱- Family Assessment Device

^{۱۰}- McMaster Model of Family Functioning

^{۱۱}- Epstein, Baldwin, & Bishop

(به نقل از استونسون-هایند و اکیستر^{۱۲}، ۱۹۹۵) با هدف توصیف ویژگی های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش دهی، مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد.

در تجزیه و تحلیل استنباطی به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از تحلیل کواریانس چند متغیری با رعایت مفروضه-ها (همگنی ضرایب رگرسیون، خطی بودن رابطه بین متغیرها، توزیع نرمال و ویژگی مورد بررسی، همگنی واریانس ها) استفاده شد.

یافته های پژوهشی

در جدول زیر میزان میانگین و انحراف معیار ابعاد عملکرد خانواده شامل (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) به صورت جداگانه برای گروه های آزمایش و کنترل بر حسب پس آزمون هر دو گروه اشاره شده است.

میانگین و انحراف معیار ابعاد عملکرد خانواده زوجین در آستانه طلاق

گروه کنترل		گروه آزمایش		گروه کنترل		پس آزمون		گروه متغیر وابسته
		پیش آزمون	پس آزمون			پیش آزمون	پس آزمون	
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۱۱/۶۰	۴/۵۱	۱۲/۴۵	۳/۸۹	۱۲/۴۰	۵/۲۵	۱۹/۲۵	۳/۱۰	حل مسأله
۱۰/۵۰	۳/۱۵	۱۳/۲۵	۴/۸۶	۱۱/۸۱	۴/۴۷	۲۰/۶۰	۳/۸۹	ارتباط یا تعامل
۱۸/۳۵	۴/۹۵	۱۷/۷۰	۴/۷۰	۱۵/۴۶	۴/۴۷	۲۸/۹۵	۵/۳۶	نقش ها
۱۰/۲۶	۳/۱۸	۱۱/۸۰	۳/۶۲	۱۰/۰۴	۳/۸۹	۱۹/۳۰	۴/۵۳	آمیزش عاطفی
۱۴/۳۷	۴/۶۴	۱۵/۶۵	۵/۳۴	۱۴/۴۰	۴/۸۰	۲۱/۶۵	۳/۶۶	پاسخگویی عاطفی
۱۳/۵۰	۳/۱۵	۱۴/۲۰	۳/۸۶	۱۲/۸۱	۴/۴۷	۲۳/۷۰	۴/۱۰	کنترل رفتاری

^{۱۲} Stevenson-Hinde & Akister

عملکرد کلی خانواده	۱۶/۳۵	۴/۹۵	۱۵/۹۵	۳/۹۷	۱۷/۴۶	۵/۴۷	۳۵/۶۵	۶/۶۵
عملکرد خانواده (کل)	۱۲۳/۰۷	۱۶/۷۲	۱۳/۵۰	۱۵/۳۷	۱۴۲/۲۷	۱۶/۵۵	۲۳۰/۲۰	۲۷/۵۹

میانگین و انحراف معیار ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده)

نتایج آزمون معناداری تحلیل کوواریانس چند متغیری تاثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده)

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	P	مجذور اتا
مدل	اثر پیلایی	۵/۱۸۴	۷	۲۹	۰/۰۰۲	۰/۴۷۲
	لامبدا ویلکز	۵/۱۸۴	۷	۲۹	۰/۰۰۲	۰/۴۷۲
	اثر هتلینگ	۵/۱۸۴	۷	۲۹	۰/۰۰۲	۰/۴۷۲
	بزرگترین ریشه خطا	۵/۱۸۴	۷	۲۹	۰/۰۰۲	۰/۴۷۲
گروه	اثر پیلایی	۵۳/۱۸۲	۷	۲۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰۲
	لامبدا ویلکز	۵۳/۱۸۲	۷	۲۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰۲
	اثر هتلینگ	۵۳/۱۸۲	۷	۲۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰۲
	بزرگترین ریشه خطا	۵۳/۱۸۲	۷	۲۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰۲

همانطور که در این جدول نشان می‌دهد سطوح معناداری تمام آزمونها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ($F=53/18, p<0/01, \eta^2=0/16$). مجذور اتا نشان می‌دهد تفاوت بین گروه‌ها با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت بر اساس آزمون لامبدا ویلکز $0/09$ است، یعنی 90% درصد واریانس مربوط به اختلاف بین گروه‌ها ناشی از تاثیر متقابل متغیرهای وابسته می‌باشد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره مبتنی بر تاثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده)

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	اتا
مدل	حل مسأله	۲۲۶۱/۵۹۰	۱	۲۲۶۱/۵۹۰	۱۵/۴۱۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۸
	ارتباط یا تعامل	۱۵/۷۱۱	۱	۱۵/۷۱۱	۱/۵۳۰	۰/۲۲۵	۰/۰۴۴
	نقش‌ها	۶۰/۴۰۵	۱	۶۰/۴۰۵	۳/۵۵۵	۰/۰۶۸	۰/۰۹۷
	آمیزش عاطفی	۱۰۳/۵۸۱	۱	۱۰۳/۵۸۱	۵/۹۵۵	۰/۰۲۰	۰/۱۵۳
	پاسخگویی عاطفی	۴/۹۴۰	۱	۴/۹۴۰	۰/۳۵۴	۰/۵۵۶	۰/۰۱۱
	کنترل رفتاری	۱۰۵۵/۶۰۵	۱	۱۰۵۵/۶۰۵	۸/۲۴۴	۰/۰۰۷	۰/۱۹۵
	عملکرد کلی خانواده	۹۲۵/۰۸۲	۱	۹۲۵/۰۸۲	۳۹/۲۵۴	۰/۰۰۰	۰/۵۳۶
گروه	حل مسأله	۲۸۸۴۸/۶۱۹	۱	۲۸۸۴۸/۶۱۹	۱۹۶/۵۷۷	۰/۰۰۰	۰/۸۵۶
	ارتباط یا تعامل	۳۹۷/۶۰۰	۱	۳۹۷/۶۰۰	۳۸/۷۱۱	۰/۰۰۰	۰/۵۴۰
	نقش‌ها	۲۵۱/۳۹۴	۱	۲۵۱/۳۹۴	۱۴/۷۹۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۰
	آمیزش عاطفی	۳۰۵/۱۹۵	۱	۳۰۵/۱۹۵	۱۷/۵۴۷	۰/۰۰۰	۰/۳۴۷
	پاسخگویی عاطفی	۴۴۳/۴۶۶	۱	۴۴۳/۴۶۶	۳۱/۷۵۸	۰/۰۰۰	۰/۴۹۰
	کنترل رفتاری	۵۲۱/۰۲۱	۱	۵۲۱/۰۲۱	۴/۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۵۰
	عملکرد کلی خانواده	۳۴۱۶/۱۶۹	۱	۳۴۱۶/۱۶۹	۱۴۴/۹۵۸	۰/۰۰۰	۰/۸۱۰
خطا	حل مسأله	۴۸۴۲/۹۰۳	۳۱	۱۴۶/۷۵۶			
	ارتباط یا تعامل	۳۳۸/۹۴۶	۳۱	۱۰/۲۷۱			
	نقش‌ها	۵۶۰/۷۳۳	۳۱	۱۶/۹۹۲			
	آمیزش عاطفی	۵۷۳/۹۶۷	۳۱	۱۷/۳۹۳			
	پاسخگویی عاطفی	۴۶۰/۸۱۱	۳۱	۱۳/۹۶۴			
	کنترل رفتاری	۴۳۵۳/۳۵۵	۳۱	۱۲۸/۰۴۰			
	عملکرد کلی خانواده	۸۰۱/۲۶۷	۳۱	۲۳/۵۶۷			

همانطور که این جدول نشان می‌دهد ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) در زوجین در آستانه طلاق در پیش آزمون و پس آزمون

گروه آموزش رویکرد هیجان مدار تفاوت معنی داری وجود دارد ($p < 0/01$) و ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) در زوجین در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند بیشتر از زوجینی است که این آموزش را دریافت نکردند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) در زوجین در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند بیشتر از زوجینی است که این آموزش را دریافت نکردند. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهشهای دهنمکی (۱۴۰۲)، حجتی و همکاران (۱۴۰۱)، براون و رایت (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش حجتی و همکاران (۱۴۰۱) مطالعه ای با عنوان: اثر بخشی درمان هیجان مدار بر الگوهای دلبستگی، الگوهای ارتباطی و سبک زوجین ناسازگار مراجعه کننده به مراکز مشاوره. جامعه مورد مطالعه زوجین دارای همسر ناسازگار مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ بودند. یک گروه ۱۵ نفری آزمایش و یک گروه ۱۵ نفری کنترل وجود داشت. پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارت از دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، الگوی ارتباطی کریستنسن و سولاوی (۱۹۸۴) و سبک زندگی میلر اسمیت (۲۰۰۳) بوده است. نتایج حاصل شده از این پژوهش حاکی از آن بود که میزان تاثیر درمان هیجان مدار ۰/۴۸ می‌باشد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که زوجینی که از نظر زمینه‌های فرهنگی، قومی و نژادی باهم تفاوت دارند، انتظارات و باورهایشان در مورد روابط زناشویی نیز متفاوت است. در صورتی که زوجین بتوانند عاقلانه نقاط قوت و تفاوت فرهنگی‌شان را در نظر بگیرند، می‌توانند مشکلات ارتباطی خود را به نحوی مسالمت آمیز حل کنند، اما در عین حال تفاوت‌های محسوس در انتظارات زوجین می‌تواند منبع تعارض بین همسران باشد و زوجین و خانواده‌هایی که در بعد پیوستگی (پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر) متعادلند به اعضای خود اجازه میدهند تا ضمن اینکه به خانواده وابسته نباشند، پیوندشان را با آن حفظ نمایند. پیوستگی سطح متفاوت را در برمی‌گیرد که عبارتند از رها شده (خیلی پایین)، جدا شده (پایین تر متوسط)، پیوسته (متوسط تا بالا) و درهم تنیده

(خیلی بالا). فرض بر این است که کنش مطلوب و بهینه یک سیستم با سطوح متعادل و مرکزی پیوستگی (جدا شده و پیوسته) همراه می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها یا زوجین که جهت درمان مراجعه می‌کنند، غالباً در حوزه افراطی یا نامتعادل قرار دارند، هنگامی که پیوستگی خیلی بالاست، استقلال و خودمختاری اعضا فدای همراهی و توافق آنها می‌شود و برعکس در نظامهای رها شده اعضا این استقلال را به قیمت قربانی کردن دلبستگی و تعهد به خانواده به دست می‌آورند و طبق نتایج این فرضیه آموزش رویکرد هیجان مدار می‌تواند در بهبود عملکرد خانواده در زوجینی که دارای مشکلاتی می‌باشند، تاثیر داشته باشد که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر آموزش رویکرد هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق پرداخته است و نتایج نشان می‌دهد ابعاد عملکرد خانواده (حل مسأله، ارتباط یا تعامل، نقش‌ها، آمیزش عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل رفتاری و عملکرد کلی خانواده) در زوجین در آستانه طلاق پس از آموزش رویکرد هیجان مدار بهبود یافته است و همچنین ابعاد عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق که آموزش رویکرد هیجان مدار دریافت کردند بیشتر از زوجینی است که این آموزش را دریافت نکردند. در نتیجه قابل بیان است که برنامه آموزش رویکرد هیجان مدار تأثیر معناداری بر بهبود عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق داشته و می‌تواند به عنوان برنامه آموزشی موثر مورد توجه روانشناسان و مشاوران باشد.

از آنجایی که این پژوهش در بین زوجین در آستانه طلاق استان تهران در سال ۱۴۰۳ صورت گرفته است، می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های خاص این گروه قرار گرفته باشد بنابراین، این پژوهش در تعمیم نتایج به عمل آمده به سایر گروههای دیگر محدودیت دارد. نمونه‌گیری در دسترس یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است. یکی از محدودیت‌های دیگر در این تحقیق این بود که محقق در پژوهش درمانگر بود و ممکن است در نتایج تاثیر گذاشته شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- پیشنهاد می‌شود برای افزایش تعمیم پذیری یافته‌ها، پژوهشی مشابه در شهرهای مختلف ایران انجام شود.
- ۲- پیشنهاد می‌شود تحقیقی در همین راستا مبتنی بر اثر بخشی آموزش رویکرد هیجان مدار در کاهش مشکلات رفتاری زوجین صورت گیرد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی (سن، تحصیلات و وضعیت شغلی) کنترل گردد.

۴- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده بهتر است در مداخلات درمانی از سایر متخصصان استفاده گردد تا میزان تاثیر گذاری در نتایج توسط خود محقق کمتر باشد.

منابع

- اسدپور، اسماعیل؛ نظری، علی محمد؛ ثنائی ذاکر، باقر؛ شقاقی، شهرزاد (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان- محور بر افزایش صمیمیت زناشویی زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران. رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- اسماعیلی، لیلا؛ آقایی، اصغر؛ عابدی، محمدرضا؛ اسماعیلی، مریم (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر سلامت روان دختران مصروع. اندیشه و رفتار، دوره ی پنجم، شماره ی ۲۰: ص: ۴۲-۳۱.
- الیس، آلبرت (۲۰۰۶). زوج درمانی. ترجمه ی جواد صالحی فدري و امیر امین یزدی (۱۳۹۵). تهران: روزبهان.
- تبعه امامی، شیرین (۱۳۹۲). تعیین و بررسی رابطه بین ویژگی های مرکزی و پیرامونی عشق و تعهد در بزرگسالان جوان متأهل دانشگاه اصفهان. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی.
- حسینی، بیتا (۱۳۹۹). زمینه زوج درمانی. تهران: جنگل
- حسین زاده تقوایی، مرجان؛ لطفی کاشانی، فرح؛ نوابی نژاد، شکوه؛ نورانی پور، رحمت اله (۱۳۹۸). اثربخشی درمان متمرکز بر هیجان در تغییر سبک دلبستگی همسران. اندیشه و رفتار، دوره ی چهارم، شماره ی ۱۴: ص: ۵۶-۴۷.
- حسن آبادی، حسین؛ مجرد، سعید؛ سلطانی فر، عاطفه (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار (EFT) بر سازگاری زناشویی و عواطف مثبت زوج های دارای روابط خارج از ازدواج، پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۱ (۲)، ص: ۳۸-۲۵.
- حیاتی، مژگان؛ اعتمادی، احمد؛ تبریزی، مصطفی؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی رویکرد درمانی هیجان مدار بر میزان رضایت زناشویی زوجین. پیک نور، سال هشتم، شماره اول ۵۵-۴۴.
- حیدری، علیرضا؛ اقبال، فرشته (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز، یافته های نو در روان شناسی، سال پنجم، دوره ی ۱۵: ص: ۱۳۴-۱۱۵.
- جانسون، سوزان (۲۰۱۴). زوج درمانی هیجان مدار. ترجمه ی بی تا حسینی (۱۳۹۹). تهران: جنگل

- جوادزاده شهشاهانی، افسانه؛ جاهدی، سهیلا؛ عرب، سرمست (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره به شیوه ی تمرکز بر هیجان ها (EFT) بر بهداشت روانی معلمان زن مقطع متوسطه ی شهر مرودشت. فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره سوم ص: ۱۳۶-۱۲۱.
- رضایی، جواد؛ احمدی، احمد؛ اعتمادی، عذرا؛ رضایی حسین آبادی، مریم (۱۳۹۱). تأثیر آموزش زوج درمانی اسلام محور بر تعهد زناشویی زوجین. روان شناسی و دین، سال پنجم، شماره اول ص: ۶۰-۳۷.
- رضائی، مهدیه؛ یونسی، جلال؛ احمدی، خدابخش؛ عسگری، علی؛ میرزایی، جعفر (۱۳۹۹). تأثیر زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسران شان، خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۱ ص: ۵۸-۴۳.
- رسولی، رویا؛ اعتمادی، احمد؛ شفیع آبادی، عبدالله، دلاور، علی (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی مداخله متمرکز بر هیجان به شیوه زوجی و فردی بر کاهش درماندگی رابطه زوجین دارای فرزند با بیماری مزمن، خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱ ص: ۶۹۶-۶۸۳.
- ضیاء الحق، مریم سادات؛ حسن آبادی، حسین؛ قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی؛ مدرس غروی، مرتضی (۱۳۹۱). تأثیر زوج درمانی هیجان مدار بر سازگاری زناشویی. خانواده پژوهی، سال هشتم، شماره ۲۹ ص: ۶۶-۴۹.
- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی شهر. پایان نامه ی کارشناسی ارشد مشاوره ی خانواده، دانشگاه اصفهان، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی.
- عرفانی اکبری، معصومه (۱۳۹۸) بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تأثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- علوی، خدیجه (۱۳۹۸). اثربخشی رفتار درمانی دیالکتیکی گروهی در کاهش نشانه های افسردگی دانشجویان مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد
- قنبری، هاشم آبادی، بهرام علی؛ حاتمی ورنزه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰). رابطه ی بین سبک های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی، جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم ص: ۶۰-۳۹.
- کاوی، استیون. هفت عادت خوب خانواده، ترجمه سوسن ملکی (۱۳۹۸). تهران: ذهن آویز
- کلارک وارن، نیل. در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قرچه داغی، چ هشتم (۱۳۹۸). تهران: اوحدی.

- گود، ناسی (۲۰۰۰). زندگی با همسر کج مدار. ترجمه ی فروزنده داورپناه (۱۳۹۴). تهران: جوانه رشد.
- موسوی، رقیه؛ مرادی، علیرضا؛ مهدوی هرسینی، اسماعیل (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده های کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی. خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۴ ص: ۳۳۵-۳۲۱.
- مهدوی، محمد صادق (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج. تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- نجاریوریان، سمانه؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۷). تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی های تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه. خانواده پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۳ ص: ۸۶-۷۷.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۹۳). نظریه های مشاوره و روان درمانی گروهی. تهران: سمت.
- سرآبادانی، زهرا؛ نوابی نژاد، شکوه؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۹۲). نقش هیجان خواهی در بروز تعارضات زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- سیف، سوسن؛ اسلامی، معصومه السادات (۱۳۹۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. اندیشه های نوین تربیتی ۴ (۱-۲) ص: ۹۹-۱۲۹.
- هنرپروران، نازنین؛ تبریزی، مصطفی؛ نوابی نژاد، شکوه؛ شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان مدار بر رضایت جنسی زوجین. اندیشه و رفتار، دوره ی چهارم، شماره ی ۱۵ ص: ۷۰-۵۹.
- اوجاقلو، سودابه. (۱۴۰۰). بررسی تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر مقوله طلاق در بین زوجین شهرستان میاندوآب، پنجمین کنفرانس ملی روانشناسی (علم زندگی)، شیراز، <https://civilica.com/doc/1441643>
- اسکندری، مریم، پرندین، شیما. (۱۴۰۱). پیش بینی کیفیت زناشویی بر اساس مؤلفه های رضایت جنسی و صمیمیت در زوجین شهر کرمانشاه، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۷(۵۸)، ۱۹۲-۱۸۲
- باقری شیخانگفته، فرزین و فراهانی، حجت اله. (۱۴۰۱). نقش ناگویی هیجانی، حساسیت اضطرابی و اضطراب درد در پیش-بینی عملکرد جنسی زوجین، چهارمین کنگره ملی انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران با عنوان: ازدواج موفق و فرزندپروری سالم، <https://civilica.com/doc/1695303>

خسروی، رقیه. (۱۳۹۷). مقایسه تحریف های شناختی در بین زنان مطلقه، متاهل و مجرد، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین، <https://civilica.com/doc/815142>

خدادادیان، مینا و مولودی، سیامند و مامه حمه، شادی. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک زندگی با نگرش به طلاق با میانجیگری نوروگرایی در زنان شهر میاندوآب، پنجمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران، <https://civilica.com/doc/1497178>

عباس پور، ذبیح اله، موسوی، سیده مریم، و امان الهی، عباس. (۱۴۰۰). طراحی و اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج و نگرش به طلاق فرزندان طلاق. مطالعات زن و خانواده، ۹(۳) (پیاپی ۲۲)، ۵۶-۷۷. SID. <https://sid.ir/paper/968420/fa>

علیزاده، آرش و حسین زاده، سیامک و ولی زاده شورجه، علی و حسنعلی زاده، راضیه و بیابانی، زهرا و بابازاده سیلابی، صالح. (۱۴۰۱). نقش حساسیت پردازش حسی، تحریف شناختی بین فردی و تمایز یافتگی خود در اضطراب هستی (وجودی) در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، اولین کنفرانس بین المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی، <https://civilica.com/doc/1640495>

فرجی، جمال الدین، نامور، هومن و باقر، ثنایی. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل موثر بر دلزدگی شناسایی زوجین، نشریه، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵(۱)، ۴۷-۶۰

لرکی، رویا. (۱۴۰۱). پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس حساسیت بین فردی در زوجین، سومین کنفرانس ملی مطالعات آسیب شناسی روانی و روش های نوین درمان، تهران، <https://civilica.com/doc/1579879>

- Adams, J.M.; Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72, 1177-1196.

- Adams, J.M. & Jones, W. H. (1999) Interpersonal commitment in historical perspective. In: Adams and W. Jones (Eds.) *Handbook of Interpersonal Commitment and Relationship stability*. New York: Plenum publisher, (pp.3-36).

- Butler, A. (2002). Cognitive therapy outcomes. A review of meta analysis. *Journal of family therapy*, 11(38) 47-66.

- Bourgoyno, C. B; Reibstein, J; Edmunds, A. M & Routh, D. A (2010). Marital Commitment, Money and Marriage Preparation: What Changes after the Wedding?

Journal of Community & Applied Social Psychology J. Community Appl. Soc. Psychol., 20:390-403.

- Cahill, S.D; Smith, C.L; Gill, K.L & Johnson MC(1998). Maternal interactive style across contexts: Relations to emotional, behavioral, and physiological regulation during toddlerhood. *Social Development*, 7:350-369.

- Cordova, J. V., Jacobson, N. S., & Christensen, A. (1998). Acceptance versus change interventions in behavioral couple's therapy: Impact on couples' in-session communication. *Journal of Marriage and Family Counseling*, 24(87), 437 -455.

- Cohan, C.L., & Kleinbaum, S. (2002). Toward a greater understanding of premarital cohabitation and marital commitment. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 180-196.

- Damasio, A.R(1994). *Descartes Error: Emotion, reason and the human brain*. New York: Grossett/ Putnam.

- Denton, W., Burelson, B. R., Clark, T. E., Rodriguez, C. P., & Hobbs, B. V.(2000). A randomized trial of emotionally focused therapy for couples in a training clinic. *Journal of Marital & Family Therapy*, 26(88), 65-78.

- Fam, J.(2007). The role of intuitive judgments in predicting marital satisfaction, quality, and stability. *Medline Pubmed*, 18(1):58-71.

- Fredrickson, B(1998). Cultivated Emotions: Parental Socialization of Positive Emotions and Self-Conscious Emotions. *Psychological Inquiry: An International Journal for the Advancement of Psychological Theory*. Volume 9, Issue 4.

- Goldman, A., & Greenberg, L. (1992). Comparison of integrated systemic and emotionally focused approaches to couple therapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, (16)60, 962-969.

- Gottman, J. (1994), *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

- Gross, J.J (1998). The emerging field of emotion regulation: An interview. *Review of General Psychology*, 2:271-299.

- Greene, T. R. & Noice, H. (1988). Influence of Positive Affect Upon Creative Thinking and Problem Solving in Children. *Psychological Reports*, 63:895-98.

- Greenberg, L. & Goldman, R. (2007). Integrating love and power in emotion-focused couple therapy. *European Psychotherapy*, 7(1), 117-135.

- Harris, V. W.(2006).Context and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Science Context*, 17(4):48-52.
- Isen, A. M. (1991). The influence of positive affect on clinical problem solving. *Medical Decision Making* 11:221-227.
- Johnson, S. M. & Greenberg, L. (1986). Integration in marital therapy. *Issues and Progress*. *Journal of Integrative and Eclectic Psychotherapy*, 6:205-219.
- Johnson, S.M.; Greenberg, L.S. (1985) Emotionally Focused Couples Therapy: An Outcome Study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11(38): 313-317.
- Johnson, S. M., & Greenberg, L. S. (1988). Relating process to outcome in marital therapy. *Journal of Marital & Family Therapy*, 14(51), 175-183.
- Johnson, S. & Greenberg, L. (1994). *The heart of the matter: Perspectives on emotion in marital therapy*. New York: Brunner –Mazel
- Johnson, S. M. & Talitman, E. (1997). Predictors of success in emotionally focused marital therapy. *Journal of marital and family therapy*, 23:135-152.
- Johnson, S., & Denton, W. (2002). An Emotionally focused therapy. In A.Guram & N.Jacobson (Eds.), *The clinical hand book of couple therapy*(pp. 221-250). New York: Guilford press.
- Johnson, S. M., Hunsley, J., Greenberg, L., & Schindler, D. (1999). Emotionally focused couples therapy: Status and challenges. *Clinical Psychology Social Practice*, 6(24), 67 :79.
- Johnson, S. M ; Bradley, B; Furrow, J; Lee,A; Palmer,G; Tilley,D, et al.(2005). *Becoming an emotionally focused couple therapist: The world book* New York Brunner/Routledge.
- Jacobson, N. S., & Addis, M. E. (1993). Research on couples and couple therapy: What do we know? Where are we going? *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 18 (61), 85-93.
- Jacobson, N. S., Follette, W. C., Revenstorf, D., Baucofl, D. H., Hahlweg,K., & Margolin, G. (1984). Variability in outcome and clinical significance of behavioral marital therapy: A reanalysis of outcome data.- *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 16(52),497-504,

- Karney, B.R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method and research. *Psychological Bulletin*, 118(3), 33-44.
- Lambert, N. M. & Dollahite, David, C. (2008). The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 22(76):592-616.
- Lebow, J; Chambers, A ; Christensen, A; Johnson, S. (2010). *Marital Therapy*. AAMFT Research Conference, Alexandria VA, July 15-17.
- Lewin, K. (1951). *Field theory in social science: selected theoretical papers*. In D. Cartwright (Ed.), Oxford, England: Harpers.
- Levinger, G. (1976). A social psychological perspective on marital dissolution. *Journal of Social Issues*, 32(1), 21-47.
- Levinger, G. (1999). Duty toward whom? Reconsidering attractions and barriers as determinants of commitment in a relationship. In J. M. Adams, & W. H. Jones (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability: Perspectives on individual differences*.
- Lydon, J. E., Pierce, T., & O'Regan, S. (1997). Coping with moral commitment to long-distance dating relationships. *Journal of Personality & Social Psychology*, 73, 104-113.
- Palfai, T.P., & Salovey, P. (1993). The influence of depressed and elated mood on deductive and inductive reasoning. *Innagination, Cognition, and Personality*, 13, 57-70.
- Richards, J. M & Gross, J.J. (1999). Composure at any cost? The cognitive consequences of emotion suppression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25: 1033 -1044.
- Rusbult, C., Drigotas, S., & Verette, J. (1994). The investment model: An interdependence analysis of commitment processes and relationship maintenance phenomena. In D. J. Canary, & L. Stafford (Eds.), *Communication and relational maintenance* (pp. 115- 139). San Diego, CA, US: Academic Press, Inc.
- Rusbult, C., Wieselquist, J., Foster, C. A., & Witcher, B. S. (1999). Commitment and trust in close relationships: An interdependence analysis. In J. M. Adams, & W. H. Jones (Eds.), *Handbook of interpersonal commitment and relationship*

stability. Perspectives on individual differences (p. 274-49). Dordrecht, Netherlands: Kluwer Academic Publishers.

- Rusbult, C. E., Mafiz, J. M., & Agnew, C. R. (1998). The investment model scale: Measuring commitment level, satisfaction level, quality of alternatives, and investment size. *Personal Relationships*, 5, 357-391.

- Simpson, J. A. (1999). Attachment in modern evolutionary perspective: In Cassidy, J. A. and Shaver, P. R. *Handbook Of Attachment theory and research and clinical applications*. Guilford Press, New York.

- Sherwood, E. M. (2008). Marital strength in Canadian military couples: A ground theory approach. unpublished doctoral dissertation, University of Calgary.